

## امر معاصر: از سیالیت تا تَصَلُّب در گذر زمان (فرایند بالندگی و تثبیت محتشم کاشانی در تاریخ ادبیات)

سعید رادفر<sup>۱</sup>

دکتر محمود فتوحی رودمعجنی<sup>۲</sup>

### چکیده

گزارش‌هایی که هم‌عصران محتشم کاشانی از وی ثبت کرده‌اند بیشتر از این که یک‌دست باشند، سیال‌اند و محل تنش و تعارض. برعکس، تذکره‌نویسان ادوار بعد به سمت گزینش روایتی واحد رفته‌اند. این تعارضات مورخ ادبی را با نگرانی درباره وثاقت گزارش‌ها مواجه خواهد کرد. این مقاله ابتدا چندگانگی گزارش‌های هم‌عصران محتشم را بررسی می‌کند و سپس حرکت آن‌ها را به سمت قطعیت نشان خواهد داد. تناقض موجود در گزارش‌های نخست برخاسته و متأثر از متغیرهایی چون زمان، مواضع گفتمانی و مناسبات میان دو سویه معاصرت است. هرچه از روزگار محتشم فاصله می‌گیریم، تذکره‌نویسان با ثبت روایتی واحد از زندگی وی، شاخصه شهرت او را به مرثیه‌سرایی صرف تقلیل داده‌اند. این امر در آثار تاریخ ادبی امروز نیز مشهود است. این تحقیقات فرایند تطور گزارش‌های مربوط به محتشم را به پرسش نگرفته‌اند. محتشم شاعری چندوجهی است در واقع و فروکاسته در تاریخ ادبیات. بنابراین اعتبار و جهان‌شمولی نظرات پس از گذر زمان، در مورد وی محل تردید است. زیرا تقلیل‌گرایی موجود در تاریخ ادبیات منجر شده شهرت شاخص وی مرثیه‌سرایی باشد و فردیت خلاقش پوشیده ماند. شاعرانی چون محتشم را باید در گذر زمان بررسی کرد تا بالندگی و مانایی ایشان به عنوان رویدادهای ادبی روشن گردد.

**کلیدواژه‌ها:** محتشم کاشانی، تذکره، معاصرت، تاریخ ادبیات، تذکره‌نویسی.

saeidradfar6674@gmail.com

fotoohirud@um.ac.ir

۱. دانشجوی دکتر زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

۲. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

### طرح مسئله

گزارش‌های تذکره‌نویسان در باره زندگی و هنر همعصرانشان بخش اصلی معرفت تاریخ ادبی ما را برمی‌سازند. اما واقعیت آن است که گزارش‌های همعصران از شخصیت مؤلف همزمانشان و وجوه هنری کار او چندان یکدست و هماهنگ نیست و بسا که تعارض‌ها و تناقض‌های زیادی در آن گزارش‌ها به چشم می‌خورد. حتی از آن زمان تا امروز پیوسته دستخوش تغییر و تبدل شده است.

تذکره‌نویسان هم‌عصر با محتشم کاشانی (۹۳۰-۹۹۶ ق) نظرات گوناگونی در گزارش‌های خویش در باره او بیان داشته‌اند. ایشان هرچند در محدوده زمانی نیم قرن و همزمان با محتشم زیسته‌اند، اما گزاره‌هایشان یکدست نیست. عده‌ای محتشم را شاعری جوان که شعری معمولی دارد، معرفی کرده‌اند (سام‌میرزا، ۳۷۳:۹۶۷، قزوینی، ۵۴۴:۹۹۸-۵۴۵)، یکی وی را حسان‌العجم لقب داده، بهترین شاعر ایران و توران خوانده و استاد مسلم غزل و قصیده‌اش دانسته (کاشانی، ۹۹۳: برگ ۷، نهاوندی، ۱۴:۱۰۲۵)، یکی از فهرست شاعران معاصر حذفش کرده (مذکر/حباب)، برخی به مرثیه‌اش در باب امام حسین (ع) توجه داده‌اند (تقی کاشی، ۱۰۱۶: برگ ۱۰-۱۱، علامی، ۱۰۰۶: ۳، بهاری، ۱۰۱۶: برگ ۲۶۶، بلیانی، ۳۹۹۶:۱۰۲۴)، بعضی در شعر و غزل صاحب‌طرزش دانسته‌اند (قزوینی، ۵۴۴:۹۹۸، صادقی‌کتابدار، ۱۴۷:۱۰۱۶، بهاری، ۱۰۱۶: برگ ۲۶۶، اسکندریگ‌منشی، ۱۸۰:۱۰۴۳)، برخی وی را شاعری بی‌مایه معرفی کرده (بقایی بخاری، ۱۷۸:۹۹۶)، و دیگری طرز غزلش را عوام‌پسند دانسته و بر آن (احتمالاً غزل مذکر) ایراد گرفته و پاره‌ای از آن را فاقد عذوبت دانسته‌اند (رازی، ۱۰۲۲:۱۰۰۲، بلیانی، ۳۹۸۷:۱۰۲۴). این تنوع و اختلاف آراء از شعرشناسان یک محدوده زمانی در باره یک شاعر می‌تواند کار را برای مورخ ادبی دشوار کند. دشواری دیگر این است که این چندگانگی آراء در باره محتشم در یکی دو قرن پس از مرگ شاعر از میان می‌رود و روایتی واحد و یکدست در باره شخصیت و هنر شاعری محتشم بر تذکره‌های فارسی حاکم می‌شود. در واقع مورخ با دو دشواره روبروست نخست سیالیت آراء و تعارض و تضاد گزارش‌های همزمانان شاعر؛ دوم تصلب و قطعیت آراء مورخان ادبی ادوار بعد در باره محتشم. آیا آنچه شاخص شهرت محتشم شده است همه ابعاد شخصیت و هنر وی را شامل می‌شود؟ یا این که گزینشی است تاریخی و گفتمانی از آثار او؟

پرسش‌های پژوهش: مسئله‌ای که این مقاله به آن می‌پردازد چندگانگی چهره ادبی محتشم کاشانی (۹۳۵-۹۹۶ق) و فرایند برجسته شدن یکی از وجوه هنری وی در تاریخ ادبیات است. پژوهش پیش‌رو در پی پاسخ به پرسش‌هایی از این دست انجام پذیرفته است؛

چرا گزارش‌های تذکره‌نویسان معاصر محتشم کاشانی در مورد وی چندگانه و متناقض است، اما گزارش‌های تذکره‌نویسان ادوار بعد واحد، مسلم و قطعی است؟  
تصویر سیال و چندوجهی محتشم در زمان خودش چگونه به تصویری واحد، ثابت و مسلم در ادوار بعد تبدیل شده است؟

چه عواملی برخی شاخص‌ها را به مرکز زندگی‌نامه شاعر آورده و برخی را به حاشیه رانده است؟  
روش پژوهش: برای دستیابی به پاسخ پرسش‌های پژوهش، ابتدا مجموعه گزارش‌های موجود درباره محتشم را از تذکره‌های معاصر وی استخراج کردیم و چندگانگی و عدم اتفاق گزارش‌ها را توصیف نمودیم. سپس روند غلبه و قطعیت یافتن برخی از آراء را با لحاظ سیر گاهشمارانه نشان دادیم. نگرش ما در این مقاله مبتنی بر روش تاریخ ادبیات هرمنوتیک است. در این روش اثر ادبی تاریخ‌مند هستند؛ در دالان تاریخ با خوانندگان به گفت و گو می‌نشیند و معنایش متکثر می‌شود. اثر ادبی در زمان حیات شاعر نیز به مکالمه با معاصران وی برمی‌خیزد. ایشان بر اساس افق فکری خویش، اثر و شاعر معاصرشان را تأویل و تفسیر می‌کنند.

پیشینه پژوهش: تحقیقاتی که پیرامون محتشم کاشانی انجام گرفته اغلب ناظر به دو زمینه از خلاقیت ادبی او بوده است؛ یکی مرثیه‌سرایی و دیگری غزل‌سرایی بویژه وقوع‌گویی وی. سهم تحقیقات در باره مرثیه‌سرایی او البته بسیار بیش از غزل‌های اوست. حدود ۱۵ مقاله و پایان‌نامه به مرثیه‌های محتشم (زمینه پیدایش آن‌ها، تطبیقشان با مرثیه‌های فارسی و عربی، مسائل سبکی و ...) پرداخته‌اند. جنبه دیگری که مورد عنایت محققان بوده توجه به اشعار محتشم به عنوان یکی از شاعران برجسته مکتب وقوع است. در این تحقیقات، محتشم یکی از پایه‌های وقوع‌گویی شناخته شده و آثارش به مثابه شاهد و مثال‌هایی که دارای الگوها و مبانی اصلی این مکتب بوده مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

۱. ن. ک. گلچین معانی، ۱۳۴۸: ۶۰۶-۴۱۸، شمیس، ۱۳۸۱: ۱۹۹-۲۱۴، فتوحی، ۱۳۹۵: ۱۵۳-۱۵۵، ۲۹۱-۲۹۴

### ۱. دامنه معاصرت با محتشم

قبل از بررسی گزارش‌های معاصران محتشم و تذکره‌نویسان ادوار بعد و قیاس میان آنها، لازم است محدوده زمانی معاصرت تذکره‌ها با محتشم مشخص شود؛ یعنی لازم است روشن شود که معیار معاصرت چیست و تذکره‌های معاصر محتشم کدامند؟ تعیین محدوده دقیق زمانی معاصر با یک شاعر دشوار است. در معاصرت دو سویه وجود دارد: شاعر و دیگری (شاعر دیگر، خواننده، منتقد، تذکره‌نویس)؛ ممکن است یکی در پیری باشد و دیگری در جوانی. کسی شاعر را در ده سالگی خود دیده و پنجاه یا شصت سال بعد در باره او اظهار نظر کرده است. این نظر چقدر معاصر با شاعر است؟ بنابراین تعیین محدوده زمانی در بحث از امر معاصر بسیار بغرنج است (فتوحی، ۱۳۸۷: ۱۷۳). در تعریف معاصرت، زمان رکن اساسی و شاخص اصلی است. البته مشخص کردن محدوده معاصرت که در بحث ما ناظر به هم‌زمانی مؤلف (تذکره) با محتشم است نیز دشوار می‌نماید. اگر محدوده معاصرت را به زمان حیات خود محتشم (۹۳۵-۹۹۶ق) و نسل وی تقلیل دهیم، باید تا سال ۱۰۱۰ قمری را معاصر محتشم لحاظ کنیم؛ اما اگر دامنه معاصرت را به حیات کسانی که «محضر محتشم را درک کرده‌اند» گسترش دهیم دست کم تا ۳۰ سال پس از مرگ محتشم را در بر می‌گیرد و تذکره‌نویسانی که آثارشان را از دهه هفتم قرن ۱۰ تا دهه سوم قرن ۱۱ (حدود سال‌های ۹۶۰ تا ۱۰۳۰ قمری) تألیف کرده‌اند هم‌روزگار محتشم محسوب خواهند شد. ما همین دوره زمانی دوم را در نظر داریم، یعنی از تذکره تحفه سامی (نگارش ۹۶۷ق) تا کتاب مآثر رحیمی (۱۰۲۵ق) را می‌توان تذکره‌های عصری محتشم نامید. برخی از این آثار گرچه سه دهه پس از مرگ محتشم نوشته شده‌اند اما مؤلفان آنها بخشی از زندگی محتشم (بویژه دوران کمال یافتگی وی) را درک کرده‌اند. در فهرست زیر تذکره‌نویسان معاصر محتشم آمده است:

۱. هرچند بحث‌هایی در باره تلقی تذکره‌نویسان عصر صفوی از معاصرانشان انجام گرفته و ادعا شده ایشان اصطلاح معاصر را بر کسانی اطلاق می‌کرده‌اند که آنها را دیده یا با آنها هم‌مشرّب و هم‌طرز بوده‌اند (فتوحی، ۱۳۸۷: ۱۷۳). این بحث‌ها در حد اشارات کلی باقی مانده‌اند.

نام تذکره	مؤلف	زمان تألیف	منطقه	مذهب	نوع	توضیحات
تحفه سامی	سام میرزا صفوی	۹۶۷ق	هرات فارس آذربایجان	تشیع	عصری	نخستین تذکره عصری دوره صفوی
مذکر احباب	نثاری	۹۷۴- ۱۰۰۵ق	شرق ایران	تسنن	عصری/ منطقه‌ای	تمرکز بیشتر بر شاعران منطقه بخارا
نمایش المآثر	کامی	۹۹۸-۹۷۳ق	هندوستان	از خانواده سنی مذهب	عصری/ منطقه‌ای	تمرکز بیشتر بر شاعران هندوستان
خلاصه التواریخ	قمی	۹۹۹ق	اصفهان	شیعه	تاریخ پادشاهی صفوی	ثبت تاریخ فوت بعضی شاعران و شرح حالشان
مجمع الفضلاء	بقایی	۹۹۶- ۱۰۲۰ق	شرق ایران/ ماوراءالنهر در هندوستان پایان یافته	تسنن	عمومی	ثبت شاعران غیرمشهور در فرقه- های دوم و سوم
هفت اقلیم	رازی	۹۹۶- ۱۰۰۲ق	هندوستان	-	عمومی	شاعران اقلیم سبعه
آیین اکبری	علمی	۱۰۰۶ق	هندوستان	آزاد مذهب شیعه دانسته شده	تاریخ/تذکره/ عصری/ دوره سلطنت جلال‌الدین اکبرشاه	دائرةالمعارف هندوستان/ مشمول بر تراجم شعرای عهد اکبری
تذکره الشعراء	مطربی	۱۰۱۳ق	سمرقند	احتمالاً سنی	عصری	تراجم شعرای ماوراءالنهر/ تداوم شیوه مذکر احباب
سلم السموات	کازرونی	۱۰۱۴ق	شیراز کاشان	تشیع	عمومی	مرفوم ۵: تذکره مختصر

نام تذکره	مؤلف	زمان تألیف	منطقه	مذهب	نوع	توضیحات
مجمع الخواص	صادقی کتابدار	۱۰۱۶ق	اصفهان	تشیع	عصری	ترکی: ادامه سنت عصری نویسی نوایی و...
خلاصه الشعار	تقی کاشی	۹۷۴- ۱۰۱۶ق	کاشان	تشیع	عمومی	مروج و مدافع مکتب وقوع
خیرالبیان	بهارى	۱۰۱۶ق ۱۰۳۷ق	شیراز اصفهان قزوین لاهور	تشیع	عمومی	تحریر در دو نسخه
عرفات العاشقین	اوحدی بلیانی	۱۰۲۴ق	هندوستان	تشیع	عمومی	منبع ارزشمند در باره شاعران ایرانی مقیم هندوستان
مآثر رحیمی	نهادی	۱۰۲۵ق	هندوستان	احتمالاً تشیع	تاریخ/ تذکره سلطین هند	جامع اشعار مداحان خان خانان

پس از این آثار است که دیگر نام محتشم در تذکره‌های عصری بعد مانند تذکره نصرآبادی (۱۰۹۰-۱۱۱۵ق)، مذكرالصحاب و کلمات الشعراء (هر دو ۱۰۹۳ق) و نیز در بخش معاصران تذکره‌های عمومی مانند مرآت الخیال (۱۱۰۲ق) دیده نمی‌شود.<sup>۱</sup> از این روست که به طور تقریبی می‌توان گفت محتشم حدود دهه سوم قرن یازدهم قمری از معاصرت با تذکره‌ها خارج شده، و نامش در میان معاصران تذکره‌ها ثبت نشده و هرچه از مرگ وی دورتر می‌شویم، او به بخش‌های متوسطین (سفینه خوشگو ۱۱۴۷ق) و متقدمین (آشکده ۱۱۹۳ق) تذکره‌ها انتقال یافته است.

۱. پیش از مرآت الخیال (۱۱۰۲ق)، تذکره لطایف الخیال (۱۰۷۸ق) هم تألیف شده ولی معلوم نیست مؤلف نام شاعر را به عنوان متقدم آورده یا متأخر.

## ۲. چندگانگی آراء همعصرانِ محتشم

یکی از پیش فرض‌های استناد به اطلاعاتِ تذکره‌های معاصر، دستیابی به روایتی راستین و قطعی در باره شاعر و شعر اوست. چنین پیش فرضی برپایه هم‌زمانی گزارش تذکره‌ها با «رویداد ادبی» است و معمولاً بر اساس مشاهدات تذکره‌نویس و بدون واسطه است. بنا بر این پیش فرض هر گزارشی از روزگار شاعر دارای اهمیت است. اما معمولاً درک و دریافت مجموعه همعصران از یک شاعر و شعر وی یکدست و قطعی نیست. شاید بتوان گفت که هرچه شاعر دارای شهرت بیشتر باشد اختلاف آراء معاصران در باره وی بیشتر است. دست کم این نکته در باره محتشم کاشانی مسلم است. علل مختلفی در پیدایش اختلاف نظرهای معاصران دخیل بوده‌اند که از آنها به عنوان متغیرهای سازنده حجاب معاصرت تعبیر می‌کنیم.

### ۲.۱. متغیر زمان در معاصرت

زندگی یک شاعر به عنوان موضوع کار تذکره‌نویس همعصر وی امری است سیال که در طول عمر دوسویه معاصرت (شاعر و تذکره‌نویس) دستخوش دگردیسی می‌شود. در این دگردیسی چند مسأله قابل بحث است: گزارش تذکره‌نویس یا مورخ ادبی در کدام مرحله از زندگی شاعر (جوانی، میانسالی، پیری) نگارش یافته است؟ تذکره‌نویس در یک محدوده زمانی معین (لحظه‌ای) گزارش را داده یا در گزارش خود بازنگری کرده؟ آیا در مراحل مختلفی از زندگی شاعر گزارش داده است؟

نخستین تذکره‌نویسی که شرح حال محتشم را ثبت کرده سام‌میرزا صفوی است. او ترجمه محتشم را درست در پایان دهه سوم زندگی که شاعری جوان و تازه‌کار بوده، در صحیفه هفتم، «ذکر طرفه‌گویان مقبول الکلام و ایراد سایر عوام»<sup>۱</sup> ثبت کرده است. آوردن محتشم ذیل عنوان «عوام» حاکی از آن است که شاعر از پیشه‌وران بازار به شمار می‌رفته و هنوز در سلک ادبا و اهل فضل نبوده است. از همین رو سام‌میرزا قضاوت در باره وی را به آینده وامی‌نهد و می‌گوید: «در شعر بد نیست. چون جوان است امید که ترقی کند» (سام‌میرزا، ۳۷۳:۹۶۷).

زمان برای دو سویه معاصرت (مورخ و شاعر) متوقف نیست؛ نه شاعر در مرحله جوانی خویش متوقف می‌ماند و نه تذکره‌نویس. حال اگر تذکره‌نویس در کتاب خود بازنگری کند ناچار از تغییر در

۱. تعدادی از شاعران این صحیفه (۳۳ نفر از ۴۵ نفر) شاغلان شاعر هستند.

گزارش می‌شود. در تذکره *نقایس المآثر* (۹۷۳-۹۹۸ق) شرح حال محتشم ظاهراً ترکیبی است از دو روایت به فاصله زمانی ده سال. تأثیر گذر زمان را بر دو سویه معاشرت (محتشم / قزوینی) به وضوح می‌توان دید.

شاعر در این مدت ده سال از مرحله جوانی گذر کرده و به جایگاه ادبی والتری ارتقاء یافته است. به موازات او مؤلف تذکره اطلاعاتش را در مورد شاعر تکمیل کرده است. ۱ از این رو شرح حال محتشم در این تذکره دوگانه می‌نماید. باز نمود جوانی محتشم از اشاره تذکره‌نویس به پیشه شربافی و حالت متوسط وی در شاعری، آن هم با افعال حال استمراری، آشکار می‌گردد. اما در ادامه، به صورتی محسوس لحن مؤلف تغییر می‌کند. این قسمت که هم‌زمان با ۶۰ سالگی محتشم نوشته و بعد نیز بازنگری شده، حاکی از تغییر جایگاه ادبی شاعر نسبت به جوانی او و گذرش از مرتبه شاعری متوسط و رسیدن به مدارج اعلای ادبی است (قزوینی، ۹۷۳-۹۹۸: ۵۴۴-۵۴۵).

متغیر زمان عاملی است که بر دو سویه معاشرت تأثیر گذارنده است. این تأثیر از تغییر و تبدیل شخصیت ادبی محتشم و به موازات آن، گزارش‌های تذکره‌نویسان نمایان است. تغییر در این موارد، خود عامل اصلی تغییر و چندگانگی گزارش‌های تذکره‌نویسان در باره محتشم بوده است. بررسی و ارزیابی گاهشمارانه گزارش‌های معاصران شاعر برخی از تناقضها را حل خواهد کرد.

## ۲.۲. متغیر گفتمان

در مناطق جغرافیایی مختلف به طور هم‌زمان گرایش‌های ادبی و سلیق هنری متفاوتی رایج است. هم‌عصران محتشم کاشانی که شعر وی را ارزیابی کرده‌اند دست کم متعلق به سه منطقه جغرافیایی با ویژگی‌ها و سلیق متفاوت ادبی، گفتمانی و مذهبی بوده‌اند. یکی گفتمان سستی در ماوراءالنهر (بخارا)، دیگری گفتمان شیعی و وقوعی در مرکز ایران (قزوین و کاشان)، سومی گفتمان مدحی و سلطنتی در هند (برهان‌پور و آگره).

تذکره‌نویسان ماوراءالنهری و بخارایی نظر چندان مساعدی نسبت به اندیشه و سبک شعر محتشم نداشته‌اند. در این منطقه تذکره‌های *مذکرا حباب* (۹۷۴-۱۰۰۵ق) و *مجمع‌الفضلا* (۹۹۶-۱۰۲۰ق) قریب به دوره حیات شاعر و هم‌زمان با اوج شهرت او تألیف شده‌اند. در *مذکرا حباب* نامی از محتشم نیامده

۱. برای اطلاع از طول نگارش این تذکره ن.ک سعید شفیعیون، مقدمه *نقایس المآثر* ۱۳۹۵.



است. در مجمع‌الفضلاء نیز نام شاعر در انتهای فرقه‌ی ثانی و ذیل هم‌روزگاران جامی!! (متوفی در یک قرن قبل از محتشم) آمده است. بقایای بر خلاف آنکه جایگاه نازلی به محتشم اختصاص داده، اما اشاره‌ای به شهرت دیوان محتشم نیز کرده است اما در نهایت شعر وی را چنین سنجیده: «اکثر ابیات وی شترگر به واقع شده. کم غزل وی سراسر خوب افتاده. ... به غایت مضطرب‌احوال و عاشق‌پیشه بوده» (بقایای بخاری، ۱۷۸:۹۹۶). این قضاوت در باره‌ی شاعری کم‌مایه و گمنام در قرن دهم بیشتر صادق است تا در باره‌ی محتشم کاشانی که صیت شهرتش در همان زمان حیاتش از کاشان تا بخارا رفته بود. هر چه بود گفتمان شعری ماوراءالنهر (سمرقند و بخارا) با گفتمان شعری کاشان در قرن دهم، با هم نه تنها متفاوت بلکه متقابل بود.

مصادف با همین سال‌هاست که همشهری محتشم دیدگاهی مغایر با نگرش تذکره‌نویسان ماوراءالنهری اتخاذ می‌کند. تقی‌الدین کاشی محتشم را در صدر شاعران تذکره‌خلاصه‌الشعرا (۱۰۱۶ق) قرار می‌دهد و به تعریف و تمجید از مقام شامخ ادبی او می‌پردازد.

این دو درک متضاد از شخصیت ادبی و شعر محتشم ریشه در تقابل‌های گفتمانی محیط‌های ادبی دارد. تقابل‌هایی که در قرن دهم میان دو نظام فکری و ادبی رایج در محیط ماوراءالنهر و مرکز ایران برقرار بوده است. ناسازگاری میان «سبک نازک‌خیال شاعران بخارا و سمرقند با سبک ساده‌شاعران وقوعی در مرکز ایران» (فتوحی، ۱۳۹۵:۱۱۲) منجر به این شده که محتشم از تذکره‌های ماوراءالنهری حذف و به حاشیه‌رانده شود. و در تذکره‌ای که در مرکز ایران نگاشته شده، بر صدر نشیند و بهترین شاعر ایران آن روزگار شناخته شود.

تقابل‌های مذهبی نیز در این دو منطقه در اوج بود. هرچند هر دو مسلمان‌نشین بودند اما هر کدام گرایش متفاوتی از آن را پذیرفته بودند. کاشان شیعی از جمله شهرهایی بود که قبل از تخت‌نشینی شاه اسماعیل و رسمی شدن مذهب شیعه، مهبای پذیرش تشیع نوظهور بود. بعضی از کتب تاریخی این دوره اشاره می‌کنند که مردم کاشان با استماع آمدن اسماعیل به این شهر گل تمنایشان در چمن امید شکفته گشته و اشراف، اعیان، رعایا و بازاریان به استقبال شاه رفته و شهر بدون خونریزی به تصرف درآمده است (خواندمیر، ۱۳۹۲:۴۷۳-۴۷۴). اما اهالی ماوراءالنهر همچنان بر مذهب اهل سنت و مخالف تشیع رایج در مرکز ایران بودند. شییک‌خان ازبک حاکم این منطقه بر مرام اهل سنت بود و از همین روی شییبانیان از اصلی‌ترین دشمنان صفویه به حساب می‌آمدند؛ یعنی مرکز شیعی ایران در تقابل با

شرق سنی ایران بود. این دو منطقه درگیر جنگ و جدال مذهبی دراز دامنی شدند. محتمل است که کم‌گیری مقام ادبی محتشم کاشانی در مجمع‌الفضلاء و حذف وی در مذکر احباب، تحت تأثیر برخاستن محتشم از سرزمین مرکزی ایران با اندیشه‌ها و اعتقادات متفاوت باشد.

منطقه سوم دربار هند است. شرح حال محتشم در دو کتاب تاریخ-تذکره آیین اکبری (۱۰۰۶ق) و مآثر رحیمی (۱۰۲۵ق) در هند نیز آمده است. نویسندگان این دو تاریخ وابسته دربار هند هستند. ایشان از میان تمام گزارش‌ها و اشعاری که می‌توانسته‌اند از محتشم ارائه کنند، قصیده مدحی او را که در ضمانت و سفارش یکی از دوستان برای عبدالرحیم خان‌خانان سروده شده، نقل کرده‌اند (علامی، ۱۰۰۶:۲، نهایندی، ۱۰۲۵:۳۸۱-۳۹۳). علت چنین گزینشی، تألیف کتاب برای حاکمان هندوستان است. مثلاً، مآثر رحیمی برای خان‌خانان تألیف شده و ترجمه مداحان او در این کتاب گردآوری شده است (نهایندی، همان: ۳-۵). نویسندگان این‌گونه آثار که با هدف ثبت ترجمه شاعران و مدایح آنان برای شاهان هند دست به تألیف زده‌اند، رابطه ادبی شاعر را با حاکم منطقه خود ملاک گزارش قرار داده‌اند. آن‌ها کوشیده‌اند روایتی را گزارش کنند که مقام و شأن ممدوحشان را برکشد و به او و جاهت بخشد.

بخشی از اختلاف آراء در باره محتشم چنان که دیدیم ناشی از تفاوت خاستگاه ذوق و عقیده تذکره‌نویس است. گفتمان‌های ادبی، سیاسی و اعتقادی که عمدتاً بر جغرافیای مشخصی غلبه می‌یابند گزینش ویژه‌ای از ادبیات دارند و در نقد ادبی نیز شاخصها و معیارهای خاص خود را اعمال می‌کنند. مورخ ادبی برای دستیابی به ماهیت گزارش تاریخ ادبی باید گفتمان حاکم و ذوق ادبی غالب بر خاستگاه و زیستگاه تذکره‌نویس را بشناسد و نسبت آن را با ذوق و عقاید و شرایط زیستی شاعر تبیین کند.

### ۲.۳. متغیر مناسبات میان معاصران

دیگر از متغیرهای تأثیرگذار در چندگانگی و عدم اتفاق آراء تذکره‌نویسان در باره شاعر هم‌روزگار خود، روابط دو سویه معاصرت با یکدیگر است. نوع و نحوه مناسبات بین مؤلف و شاعر در دیدگاه‌های تذکره‌نویس نسبت به شاعر معاصرش اثر دارد. خویشاوندی، استاد-شاگردی، دوستی، سلطان-رعیتی، و ... از این نوع مناسبات است. محتشم کاشانی روابط فراوانی با افراد زمانه‌اش از

جمله تذکره‌نویسان - داشته و این روابط بر تفاوت و تضاد نظرات تذکره‌نویسان در باب وی مؤثر بوده است. مثلاً گزارش تقی کاشی از محتشم، نسبت به شرح‌حال‌های دیگر تذکره‌های معاصر این شاعر متمایز است. تقی‌الدین کاشی شاگرد و هم‌شهری محتشم و جامع دیوان او بوده است؛<sup>۱</sup> از منظر ادبی، محتشم از سرآمدان مکتب وقوع به شمار می‌رفته و تقی کاشی هم به مکتب وقوع و وقوعیان عنایت ویژه داشته است.<sup>۲</sup> چنین ارتباط نزدیکی میان شاعر و منتقد باعث شده تا دیدگاه تقی‌الدین کاشی در مورد محتشم سرشار از تحسین باشد. صاحب *خلاصه‌الشعار* محتشم را بر صدر شعرای توران و ایران نشانده و شهرتش را عالم‌گیر دانسته. او را جامی، سلمان و خاقانی روزگارش معرفی کرده و لقب «حسان‌العجم» را به او عطا کرده است. غزل و قصیده و تاریخ‌سرایی محتشم را مورد توجه قرار داده و مقام ادبی وی را تا اعلا مراتب سخن و سخنوری برکشیده و در وصفش آورده است:

از طبع تو تا نشد تقاضای سخن      نامد گهری برون ز دریای سخن  
زان کونه که بُد رسول ما ختم سخن      بر طبع تو ختم گشت انشای سخن  
(کاشی، ۹۹۳: برگ ۷-۸).

دیگر تذکره‌نویسان معاصر محتشم نسبت به اندیشه و سبک شعری وی چنین نظری نداشته‌اند؛ چنان‌چه دیدگاه‌های تقی کاشی را با گزارش‌های دیگر تذکره‌نویسان قیاس کنیم مواردی متفاوت و حتی متناقض خواهیم یافت. از جمله این تناقضات، نظرات تذکره‌نویسان در مورد غزل وی است. پیش از این دیدیم که صاحب *مجمع‌الفضلاء* اکثر ابیات محتشم را «شترگره» خوانده و کم‌تر غزلی از وی را سراسر خوب دیده است. اگرچه زیستگاه و عقاید مذهبی بقایی بخاری در دیدگاه وی تأثیر داشته، ولیکن این نظر نسبت به غزل محتشم مخصوص بقایی نیست و تذکره‌نویسان به دلایل دیگر غزل محتشم را نپسندیده‌اند. مثلاً اوحدی بلیانی غزل شاعر را این‌گونه سنجیده: «اما چون در اواخر غزل را نه به ذوق خود می‌گفت بلکه به روشی که عوام پسند کردند و فهمیدندی و مطبوع ایشان افتادی گفتمی، مرتبه مرتبه از نظر اعتقاد خواص افتاد» (بلیانی، ۱۰۲۴: ۳۹۹۶). احمد رازی نیز معتقد است پاره‌ای از غزلیات محتشم به واسطه بعضی چیزها مفقود از عذوبت گشته است (رازی، ۱۰۰۲:

۱. پدیده‌ای مشابه در تذکره *مجمع‌الفضلاء* دیده می‌شود. بقایی به دلیل شاگردی در محضر مولانا مشفق بخاری از وی با احترام فراوان نام می‌برد و او را بزرگ‌ترین شاعر زمانش می‌داند.

۲. برای اطلاع از دل‌بستگی تقی کاشی به مکتب شعری وقوع ن. ک فتوحی، ۴۹-۴۲: ۱۳۹۵.

۱۰۲۲). عبارت «پسند عوام» و «بعضی چیزها» اشارت است به عشق مذکر در غزلیات محتشم بویژه در رساله جلالیه که صراحتاً در باب تجربه عشقی شاعر با جوانی به نام شاطر جلال اصفهانی سروده شده است. معلوم است که بلیانی و رازی با عشق مذکر در غزل میانه ندارند.

علاوه بر این، نوع ارتباط شاعر با تذکره‌نویس، حجم مطالب را هم تعیین می‌کند. شرح حالی که صاحب خلاصه‌الشعار به محتشم اختصاص داده نسبت به دیگر تذکره‌ها مبسوط‌تر است. در حالی که در همان زمان مذکر احباب (۹۷۴ق) اصلاً نامی از شاعر نیاورده، و یا تحفه سامی (۹۶۷ق) و مجمع‌الفضلاء (۹۹۶-۱۰۲۰ق) که در چند سطر مختصر به شرح حال او پرداخته‌اند. همچنین انتخاب تقی کاشی از اشعار محتشم بسیار مفصل‌تر از دیگر دیگر تذکره‌نویسان بوده است.<sup>۱</sup>

سه متغیر زمان، محیط و مناسبات اجتماعی که در این بخش مطرح شد، موجب پیدایش تفاوت‌ها، تناقض‌ها و در نهایت چندگانگی آراء تذکره‌نویسان معاصر محتشم شده است. دو سویه معاصرت به سبب متأثر بودن از زمان، مکان، ارتباط و تقابل‌های گفتمانی ناشی از این متغیرها، چندگانه و غیرقطعی هستند و تصویری سیال و چندوجهی از شاعر و شعر وی به دست می‌دهند. این چندگانگی و سیالیت در دو سویه معاصرت، گزارش‌های تذکره‌نویسان معاصر را به مجموعه‌ای از آراء ناهمگن، ناساز و پراکنده در باره شاعر (محتشم) تبدیل کرده است.

این سه متغیر، مجموعاً بر هر دو سویه معاصرت (منتقد/شاعر) تأثیر می‌گذارند. هم بر آراء مورخ و منتقد ادبی و هم بر موضوع تاریخ ادبی (یعنی بر رویداد ادبی). می‌توان گفت آنچه را حجاب معاصرت می‌نامند در واقع برآیندی است از عدم ثبات سوژه و ابژه. حجاب معاصرت، وضعیتی است که مانع می‌شود معاصران از مفاهیم همزمان خودشان درک روشن و راستینی داشته باشند.

### ۳. از چندگانگی به سوی قطعیت روایت واحد

هر قدر که از زمان محتشم فاصله می‌گیریم، تذکره‌نویسان به جانب روایت واحدی از زندگی و هنر او می‌گریند. آن‌ها از مجموعه آراء متناقض همعصران محتشم مسائلی مشخص را گزینش می‌کنند. به

۱. تعداد ابیات منتخب از محتشم در تذکره‌های معاصرش عبارتند از: تحفه سامی ۶ بیت، خلاصه‌الشعار حدود ۳۶۰۰، تفایس‌المآثر ۷، مجمع‌الفضلاء ۷، هفت اقلیم ۲۶، مجمع‌الخواص ۹، خیرالبیان ۲۵، عرفات‌العاشقین ۱۳۸، لطایف‌الخیال ۸۶ و سلم‌السموات ۷ بیت. هرچند باید به این نکته توجه داد که طول نگارش بعضی تذکره‌ها مانند تحفه سامی به صورت کلی برای تمام شاعران مختصر بوده است.

زودی گزارش‌ها و اوصاف و شاخص‌هایی که به شاعر می‌دهند یکدست، مسلم و قطعی انگاشته می‌شود و در تذکرها با الفاظ و عبارات گونه‌گون دست به دست می‌گردد و آن‌گزینش محدود به تدریج در مرکز زندگینامه شاعر برجسته می‌شود.

تذکره‌نویسان در مجموع هر کدام به بخشی از هنر شاعری محتشم از غزلیات عاشقانه و قصاید مدحی و مصنوع گرفته تا ماده‌تاریخ‌ها، رباعیات سته، و ترکیب و ترجیع‌بندهای مذهبی او التفات داشته‌اند. معاصران محتشم بیشتر به قصاید و غزلیات او توجه کرده و آن‌ها را مورد نقد قرار داده‌اند. تا زمان نگارش *عرفات‌العاشقین* (۱۰۲۴ق) به تمامی ابعاد مختلف شعر محتشم عنایت می‌شده<sup>۱</sup> و غزل‌سرایی او مورد نقد قرار می‌گرفته است. اما پس از گزارش اسکندر بیگ منشی در تاریخ عالم آرای عباسی، محتشم به یک شاعر شیعی متدین صرف شهرت یافت. ظاهراً نخستین بار اسکندربیگ منشی به سرایش هفت‌بند محتشم اشاره کرد (منشی، ۱۰۴۳:۱۷۸). و گفت که غرض اصلی شاعر در سرودن این شعر پیروی از دستور شاه تهماسب و گرفتن صله مادی (و معنوی) بوده است. این طرز شعر محتشم، موجی در میان شعرای پایتخت به راه انداخت و ایشان با سرودن هفت‌بند برای ائمه به دریافت صله نائل شدند (منشی، همان: ۱۷۸).

پس از گزارش اسکندر منشی هرچه از مرگ محتشم دورتر می‌شویم تنها یک جنبه از هنر وی (مرثیه‌سرایی) به شاخص شهرت وی بدل می‌شود که تقریباً در تمام تذکرها‌های یک قرن پس از وی تکرار می‌شود. چنین روندی در تذکرها با بیرون رفتن شاعر از جرگه معاصران (متأخران) به طبقه متقدمان آغاز می‌شود و هر چه می‌گذرد شاخص‌های شهرت او در میان متقدمان قطعیت می‌یابد. در مجموعه تاریخ ادبیات‌های فارسی امروز، شاخص شهرت محتشم کاشانی، مرثیه دوازده‌بند در رثای شهادت اما حسین در کربلاست (صفا، شبلی نعمانی و دیگران).

گزینش مرثیه‌های شاعر به عنوان شاخص شهرت وی، نشأت گرفته از غلبه گفتمان تشیع بر سپهر سیاسی-مذهبی ایران و بخشهایی از هند است که بر مجموعه ادبیات فارسی و همه عرصه‌های فکری

۱. در تذکرها‌های *سلم‌السموات* ۱۰۱۴ق و *مجمع‌الخواص* ۱۰۱۶ق غزلش مورد توجه بوده است.

ایرانیان آن زمان تأثیر گذاشت. همان مرثیه‌ها بود که محتشم را به منزله بزرگ‌ترین شاعر شیعی فارسی زبان در کانون توجه جامعه شیعی فارسی قرار داد.<sup>۱</sup>

### ۳. ۱. ترجیح مرثیه بر عشق و مدح و تهن

گزینش در واقع بخشی از عمل نقد ادبی است که نمودار ذوق و معیارهای ادبی گزینشگر به حساب می‌آید. گزینش‌ها و منتخبات تذکره‌ها از شعر محتشم خود نمود دیگری از تفاوت آراء همعصران و متأخران در باره محتشم است. تذکره‌های هم‌عصر محتشم بیشتر متوجه غزلیات و قصاید وی بوده‌اند. در میان ۱۰ تذکره و ۲ تاریخ معاصر او، ۱۶۸۲ بیت از غزلیاتش نقل شده است. در حالی که آنها تنها ۱۷۵ بیت از مرثیه‌ها را آورده‌اند.<sup>۲</sup> هرچند، در تذکره‌هایی که از زمان محتشم فاصله دارند، یعنی از لطایف‌الخیال (۱۰۷۸ق) به بعد، تعداد غزلیات ۸۹۱ بیت و مرثیه ۶۸۰ بیت بوده، اگر منتخبات دو کتاب مخزن‌الغرائب و مکتب وقوع را در نظر بگیریم،<sup>۳</sup> غزلیات به ۳۳۰ بیت یعنی نصف مرثیه می‌رسد. همچنین اگر در میان تذکره‌های غیر معاصر محتشم، نسبت غزل‌ها را به مرثیه‌ها بسنجیم، نتایج نشان می‌دهد که از ۲۲ تذکره و تاریخ ادبیات، تنها ۷ اثر غزل بیشتری نقل کرده و بقیه اغلب به مرثیه محتشم عنایت داشته‌اند. نتیجتاً هرچه از تذکره‌های معاصر دور می‌شویم، عمده توجهات به سمت مرثیه محتشم است. انتخاب مرثیه در آغاز متأثر از غلبه گفتمان تشیع بود اما از قرن دوازدهم به بعد تابعی بود از سنت رونویسی افراطی بعضی تذکره‌نویسان از تذکره‌های پیشین است

۱. این تذکره‌ها و تواریخ ادبی از قرن یازده تا امروز به مرثیه سرایی محتشم پرداخته‌اند: اسکندریبگ، ۱۷۸:۱۰۴۳-۱۷۹، دارابی، ۱۰۷۸:۵۳۱، خوشگو، ۱۱۴۷:۶۲۵-۶۲۶، داغستانی، ۱۱۶۱:۱۳۸۴، حسینی، ۱۱۶۳:۳۱۲، خان‌آرزو، ۱۱۶۴:۱۵۴۴، بلگرامی، ۱۱۷۶:۶۴۳-۶۴۲، شاهنوازخان، ۱۱۹۲:۱۴-۱۵، بیگدلی، ۱۱۹۳:۲۵۳، ابوطالب‌خان، ۱۲۰۷:۶۷۳، عاشقی، ۱۲۳۳:۱۴۳۶، گوپاموی، ۱۲۵۸:۶۵۳، سندیلوی، ۱۲۵۸:۳۶، ایمان، ۱۲۶۶:۵۹۰، آفتاب‌رای، ۱۳۰۰:۱۷۵، براون، ۱۳۱۶:۱۳۷-۱۳۸، مدرس تبریزی، ۱۳۷۳:۲۲۵-۲۳۱، صفا، ۱۳۶۹:۷۹۵، رضازاده شفق، ۱۳۵۲:۵۶۴، نفیسی، ۱۳۶۳:۲۱۳، کرمانی، ۱۳۶۴:۳۷۶، حقیقت، ۱۳۶۸:۵۰۲، صومعه‌سرای، ۱۳۶۹:۲۹۱، مردانی، ۱۳۷۱:۱۲، گلچین‌معانی، ۱۳۷۴:۴۷۶-۴۷۸.

۲. خلاصه‌الشعار به دلیل ارادتی که مؤلفش نسبت به محتشم داشته، شامل بیشترین اشعار منتخب از محتشم کاشی است. ۱۴۶۲ بیت غزل و ۱۱۸ بیت مرثیه در این تذکره ثبت شده است.

۳. دلیل کاستن این است که در مخزن‌الغرائب، نویسنده مرثیه را به دلیل شهرتش نیاورده؛ وگرنه تمام توجهش به ذکر انگیزه سرایش این ترکیب‌بند اختصاص یافته است. در مکتب وقوع نیز قصد مؤلف ثبت اشعار وقوعی بوده و برای همین عمده اشعار منقول به غزلیات محتشم اختصاص داده شده است.

که تا حد «خلاصه و انتحال تذکره‌های» دیگر پیش می‌رفت. برخی تذکره‌نویسان حتی زحمت خواندن اشعار شاعران را به خود نمی‌داده و منتخبات تذکره‌های دیگر را می‌نوشتند. دومین دلیل، منبعث از جست و جوی یک شاهکار در میان آثار هر شاعر است. سنت رایج در تذکره‌نویسی این بوده که اشعاری را برگزینند که از بهترین آثار شاعر باشند؛ ملاک بهترین آثار نیز عمدتاً مشهورترین اشعار شاعر بود.

تذکره‌نویسان در قسمت تاریخی تذکره (بخش عمومی) سعی می‌کرده‌اند، به جای ارائه چندگونگی شخصیت و اشعار شاعر، فقط بر جنبه‌ای مشخص که مورد قبول خود و مخاطبانشان بوده تأکید بورزند و وی را با یک شاهکار بشناسانند.

### ۳.۲. تجربه معنوی به جای انگیزه مالی

وقتی مرثیه‌سرایی شاخص شهرت محتشم کاشانی شد، بلافاصله بحث در باره انگیزه سرودن مرثیه به یکی از موضوعات بحث تذکره‌نویسان بدل گردید. آن‌ها بحث از انگیزه سرایش دو شعر مذهبی محتشم را گسترش دادند: یکی هفت‌بندی در مدح امام علی که در اقتفای هفت‌بند حسن کاشی سروده و دیگری دوزاده‌بند در مرثیه امام حسین. تذکره‌های معاصر محتشم هر چند به شهرت و اهمیت مرثیه کربلا توجه کرده‌اند (علامی، ۱۰۰۶:۳، بهاری، ۱۰۱۶:۱ برگ، ۲۶۶، بلیانی، ۱۰۲۴:۳۹۸۷)، اما به انگیزه این مرثیه اشاره‌ای نکرده‌اند. آغاز توجه به انگیزه شاعر در تذکره ریاض‌الشعرا دیده می‌شود (داغستانی، ۱۱۶۱:۱۳۸۴). برخلاف هفت‌بند، صله و درخواست شاه مطرح نیست. بلکه شاعر به عنایت حضرت علی (ع) و امام زمان (ع) شعر را سروده و شعرش با باور مؤمنان و معتقدان پیوند خورده و در هاله‌ای از تقدس پیچیده شده است.

قیاس میان مطالبی که در آفرینش این دو شعر مذهبی گفته شده، نشان می‌دهد تذکره‌های معاصر محتشم به انگیزه سرایش شعرهای مذهبی وی توجهی نداشته‌اند. تنها مورخ دربار صفوی زمینه پیدایش هفت‌بند را بیان کرده و همان‌گونه که از آن بر می‌آید، انگیزه شاعر، مادی و مطابق با واقع و فاقد تجربه معنوی است. اما با فاصله گرفتن از روزگار شاعر، انگیزه شعر مشهورتر محتشم - مرثیه

۱. در تذکره‌های خزانه عامره (۱۱۷۶ق)، بهارستان سخن (۱۱۹۲ق)، نشر عشق (۱۲۳۳ق)، نتایج الافکار (۱۲۵۸ق) همین مطلب تکرار شده است.

کر بلا- با باروهای شیعه پیوند داده شده است. بدین گونه محتشم و انگیزه‌اش از واقعیت دور می‌شود و هاله‌ای از تقدس آن را فرا می‌گیرد.<sup>۱</sup>

آراء تذکره‌نویسان در باره انگیزه مرثیه‌سرایی محتشم از تحلیل دنیوی (انگیزه مالی و صله) به سوی تفسیر قدسی (انگیزه معنوی و تجربه قدسی) حرکت کرده و وجه برجسته شخصیت ادبی محتشم را در تاریخ ادبیات شکل داده است. دیدیم که چگونه همه کنش‌های مورخان ادبی (زندگی‌نامه، گزینش، تفسیر) از چندگانگی به سوی قطعیت بخشیدن به روایتی واحد از هنر محتشم گرایید و شاخص شهرت وی چگونه از زمین تاریخ ادبیات سر بیرون آورد و بالید.

#### ۴. نتیجه

در این مقاله، تطور شخصیت و دگردیسی شاخص شهرت و مرتبه ادبی محتشم در منابع تاریخ ادبی بازنمایی شد. با توجه به یافته‌های این مقاله می‌توانیم بگوییم:

۱. روایت تاریخ ادبیات صفا از محتشم، همچنان در سنت تذکره‌نویسی فرمانده همچین روایت گلچین معانی در کتاب مکتب وقوع، گلچین فقط گزارش‌های مختلف در باب محتشم را گرد آورده است.<sup>۲</sup> روایتی که مصححان دیوان محتشم در مقدمه کلیات آورده‌اند نیز از همین لون است. هیچ‌کدام از این سه تحقیق امروزی، فرایند تطور گزارش‌ها، حاشیه‌رانی و کانونی‌سازی آراء و گزینش‌ها را در زمان حیات محتشم و در تاریخ مخاطبان وی به پرسش نگرفته‌اند و خاستگاه، زیستگاه و میزان اعتبار داده‌ها و قضاوت‌های منابع خود را تبیین نکرده‌اند.

۲. این مقاله نشان داد که شاخص شهرت محتشم به چه شکلی و تحت چه شرایطی شکل گرفت. تاریخ‌های ادبی سستی عمدتاً شاعران و آثارشان را بر اساس شاخص‌های شهرتشان معرفی، تحلیل و ارزیابی می‌کنند. در خوانش انتقادی تاریخ ادبیات این پرسش جایگاه مهمی دارد که شاخص شهرت چگونه شکل گرفته است. روش تاریخ ادبی مخاطب‌محور، تصویر روشنی از حضور و حیات تاریخ محتشم به دست خواهد داد. محتشم شخصیتی است چند وجهی در واقع و فروکاسته در تاریخ ادبیات. برخی ممیزه‌های هنری او عبارتند از: ابداع طرز واسوخت، وقوع گویی، صراحت در عشق

۱. تذکره حسینی (۱۱۶۳ق)، مخزن‌العرائب (۱۲۵۸ق)، ریحانه‌الدب (۱۳۷۳ق) نیز این انگیزه را تکرار کرده‌اند.

۲. عیناً شبیه تذکره شعراي کشمیر حسام‌الدین راشدی در ۵ جلد.



مذکر، مدح سلطنت و قدرت، مرثیه‌گوی شیعی، رباعی‌سرای، ماده تاریخ‌ساز، قطعه‌پرداز، او در هر یک از این جنبه‌ها در روزگار خود سرآمد بود. اما از این میان به مرثیه‌سرایی شهرت یافت.

۳. نویسندگان مقاله با گادامر هم‌آیند که قضاوت معاصران در مورد آثار هنری معاصرشان را غیر قطعی و ناامید کننده می‌داند:

«آشناس‌ت هرکسی با ناتوانی قضاوت ما، آن‌جا که فاصله زمانی معیاری قطعی به ما نمی‌دهد. از همین روی قضاوت در باره آثار هنری معاصر در نظر آگاهی عالمانه به طور ناامیدکننده‌ای غیرقطعی است. آشکارا به آفرینش‌ها [ی هنری]، همراه با پیش‌داوری‌هایی غیرقابل تأیید، پیش‌انگاره‌هایی که تأثیری بزرگ بر ما و برای ما در شناخت آن آفرینش‌ها دارند، نزدیک می‌شویم؛ این‌ها می‌تواند به آفرینش‌های [آفریده‌های] معاصر طنین بزرگی ببخشد که با حقیقت محتوا و معنایشان هم‌خوانی ندارد. تنها [اغلب] زمانی که تمام ارتباط آن‌ها با اکنون زوال یابد، ماهیت واقعی‌شان توان ظهور خواهد داشت. پس از این [فرایند] می‌توان ادعا کرد که آن‌چه در آن‌ها گفته شده معتبر و جهان‌شمول است» (Gadamer, 2004:297).

بله، غیر قطعی بودن و ناپایداری قضاوت معاصران را می‌توان پذیرفت، حتی چندگانگی و تناقض را هم می‌توان بر این سخن گادامر افزود؛ اما آیا آن نظری که بعد از گذر زمان قطعیت یافته و به قول گادامر تأیید شده است معتبر و جهان‌شمول است؟ به نظر می‌رسد این نظر گادامر دست کم درباره محتشم محل تردید است. گرچه شهرت او در مرثیه‌سرایی به قطعیت رسیده است. اما غزل وی در سایه این نظر به حاشیه رانده شده است. آیا این نظر در بیرون از گفتمان شیعی هم همین قطعیت و اعتبار را دارد؟ اگر گفتمان عشق مجازی هرات عهد سلطان حسین بایقرا و جامی غالب شود شاخص شهرت محتشم از مرثیه‌سرایی به غزلسرایی در عشق مجازی تغییر نخواهد یافت؟ برخی از تحقیقات اخیر سعی کرده‌اند محتشم را از زیر سایه مرثیه‌سرایی صرف بیرون آورند و هنر غزلسرایی و ابداعات او در غزل وقوع و واسوخت را شاخص هنری وی بدانند (فتوحی، ۱۳۹۵).

۴. گفتنی است که قطعیت یافتن «شاخص شهرت» شاعر در تاریخ ادبی الزاماً امری تقلیل‌گرایانه است بدین معنی که هر گفتمانی ابعاد خلاقیت هنرمند را تنها به یک بُعد که با افق انتظارات آن گفتمان همسو باشد فرو می‌کاهد. محتشم به خاطر مرثیه‌هایش در میان یک گروه مذهبی مقام والایی دارد اما این بالندگی گفتمانی از دو حیث شاعر را فروکاسته است: یکی تقلیل آثار وی به مرثیه و دیگری

فروکاستن مخاطبان وی به یک گروه اعتقادی. از دو بعد هنری محتشم که دست کم در تاریخ تذکره‌ها برجسته شده یعنی مرثیه سرایی و غزل وقوعی، تنها مرثیه سرایی در زندگینامه وی کانونی شده اما فردیت خلاق وی در ابداع طرز واسوخت و صورتبندی نظریه وقوعگویی به حاشیه رانده شده است. خلاقیتش در قصیده و رباعی و بویژه دو رمان-غزل وی (دو رساله جلالیه و نقل عشاق) به انبار تاریخ ادبی سپرده شده است.

۵. گزارش راستین از شخصیت و فردیت و مرتبه هنری شاعر را باید در فرایند حرکت او در زمان جست و نه صرفاً در گزارش‌های یک یا چند منبع معتبر و حتی همزمان با وی. مورخ ادبی باید فرایند حرکت خطی شاعر در طول زندگی وی و نیز حرکت آثار وی در تاریخ ادبی را به دقت گاهشمارانه بازنمایی کند. شاعر در سنین مختلف چگونه زیسته، به چه می اندیشیده؟ نقطه‌های تغییر در زندگیش کدام است؟ کدام آثارش متعلق به کدام دوره زندگی اوست؟ در سوی دیگر تاریخ واکنش‌های مخاطبان آثارش نیز جداگانه باید نوشته شود، در ادوار مختلف، در مناطق جغرافیایی، در گفتمان‌های متفاوت چه واکنش‌هایی به آثار او پدید آمده است؟ شاخص شهرت او در طول تاریخ بعد از حیات وی ثابت بوده یا تغییر کرده است. آن تغییرات بر چه مبنایی بوده است؟ چنین گزارشی از محتشم کاشانی است که در موازات گزارش از محتوا و ارزش‌های سبکی آثار وی ما را به شناختی نسبتاً قابل اعتماد از وی نزدیک می‌کند. محتشم و آثار وی در حکم «رویداد ادبی» هستند. رویداد ادبی، یک رویداد زنده و بالنده است. میزان این بالندگی در گرو واکنش‌های مختلف و متنوعی است که آثار وی در مواجهه با نسل‌های مختلف دریافت می‌کند. در نهایت عیار زنده بودن و مانایی رویداد ادبی را میزان اختلاف نظرها تعیین می‌کند.

## کتابنامه

- اوحدی حسینی بلیانی، تقی‌الدین محمد. (۱۳۸۹). عرفات العاشقین و عرصات العارفين. جلد ۶. تصحیح: ذبیح‌لله صاحبکاری و آمنه فخر احمد. تهران: میراث مکتوب.
- ایمان، رحم علیخان. (۱۳۴۹). منتخب اللطایف. با مقدمه تاراچند، باهتنام سیدمحمدرضا جلال نائینی، سیدامیر حسن عابدی. چاپ تابان.
- آبادی، میرعبدالرزاق صمصام الدوله خوفاوی اورنگ. (۱۳۸۸). بهارستان سخن. تصحیح و تعلیق عبدالمحمد آیتی، سیده حکیمه دستجردی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- آذربئیگدلی، لطفعلی بن آقاخان. (۱۳۷۸). آتشکده آذر. جلد دوم. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: امیرکبیر.
- آرزو، سراج‌الدین علی بن حسام‌الدین. مجمع‌النفایس. (۱۳۸۳). به کوشش زینب النساء علی خان (سلطان علی). پاکستان: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- آزادبلگرامی، میرغلامعلی بننوح. (۱۳۹۳). خزانه عامره. تحقیق و تصحیح هومن یوسف دهی. مجلد ۱. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- براون، ادوارد گرانویل. (۱۳۳۵). تاریخ ادبی ایران. ج ۴. از آغاز عهد صفویه تا زمان حاضر. تهران: کتابخانه ابن سینا.
- بقایی بخارایی، محمدعارف. (۱۳۹۳). مجمع الفضلاء. تحقیق محمد خشکاب. زیر نظر یوسف بیگ باباپور. تهران: منشور سمیر.
- بهارى سیستانی، حسین. (۱۰۶۶). خیرالبیان. بیجا: بینا.
- تبریزی، ابوطالب‌خان. (۱۲۰۷). خلاصه‌الفکار.
- حقیقت، عبدالرفیع. (۱۳۳۸). فرهنگ شاعران زبان پارسی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین حسینی. (۱۳۳۳). تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر. ج ۴. مقدمه جلال‌الدین همائی؛ زیر نظر محمد دبیرسیاقی. تهران: خیام.
- خوشگو، بندرانداس. (۱۳۸۹). سفینه خوشگو. تصحیح کلیم اصغر؛ با همکاری و نظارت علمی مرکز پژوهش کتابخانه مجلس شورای اسلامی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- دارابی، محمدبن محمد. (۱۳۹۱). لطایف الخیال. تصحیح یوسف بیگ باباپور. با مقدمه سیدصادق حسینی اشکوری. قم. تهران: مجمع ذخائر اسلامی. کتابخانه و موزه ملی ملکف موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- رازی، امین احمد. (۱۳۷۸). هفت اقلیم. تهران: سروش.

- رضازاده شفق، صادق. (۱۳۵۲). تاریخ ادبیات ایران. تهران: انتشارات دانشگاه پهلوی.
- سنهلی مرادآبادی، میرحسین دوست. (۱۲۹۲). تذکره حسینی. لکهنو: مطبع نامی منشی نول.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱). شاهدبازی در ادبیات فارسی. تهران: انتشارات فردوس.
- صادقی کتابدار. (۱۳۲۷). مجمع الخواص. ترجمه عبدالرسول خیامپور. تبریز: چاپخانه اختر شمال.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران. جلد چهارم. از پایان قرن هشتم تا اوایل قرن دهم هجری. تهران: انتشارات فردوسی.
- صفوی، سام میرزا. (۱۳۸۴). تحفه سامی. تصحیح و تحشیه رکن الدین همایون فرخ. تهران: اساطیر.
- صومعه سرائی، میرابوطالب رضوی نژاد. (۱۳۶۹). چهارصد شاعر پارسیگوی. تهران: تهران
- عاشقی عظیم آبادی، حسینقلی خان بنعلی خان. (۳۹۱). نشتر عشق. تصحیح و تعلیقات سید کمال حاج سید جواد. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- علامی، ابوالفضل. (۱۸۸۲). آیین اکبری. کانپور: منشی نول کشور.
- فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۹۵). صد سال عشق مجازی. تهران: سخن.
- فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۸۷). نظریه تاریخ ادبیات. تهران: سخن.
- قزوینی، علاءالدوله بنیحی کامی. (۱۳۹۵). نفایس المآثر. تحقیق و تصحیح سعید شفیعیون. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی: دانشگاه آزاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- کاشی، تقی. (۹۹۳). خلاصه الشعار و زبده الافکار. نسخه ایندیا آفیس.
- کرمانی، صابر. (۱۳۶۴). سیمای شاعران. تهران: اقبال.
- گلچین معانی، احمد. (۱۳۴۸). مکتب وقوع در شعر فارسی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- گوپاموی، محمد قدرت الله. (۱۳۸۷). نتایج الافکار. تصحیح و تعلیق: یوسف بیگ باباپور. قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- مدرس تبریزی، محمدعلی. (۱۳۷۴). ریحانه الادب. تهران: کتابفروشی خیام.
- مردانی، نصرالله. (۱۳۷۱). ستیغ سخن. تهران: سمت.
- منشی، اسکندریگ ترکمان. (بدون تاریخ). عالم آرای عباسی. چاپخانه موسوی.
- نقیسی، سعید. (۱۳۶۳). تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی.
- نهادندی، ملاعبدالباقی. (۱۹۲۴-۱۹۳۱). مآثر رحیمی. محمدهدایت حسین. کلکته: ایشیاتک سوسائیتی بنگاله.
- واله داغستانی، علیقلی خان. (۱۳۹۱). ریاض الشعراء. تصحیح، مقدمه و فهرستها از ابوالقاسم رادفر، گیتا رشیدی.
- جلد ۲. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

هاشمی سندیلوی، احمدعلیخان، باہتمام محمد باقر. (۱۹۶۸). مخزن الغرائب. لاهور: دانشگاه پنجاب.

Gadamer, Hans-georg. (2006). TRUTH AND METHOD. Translation revised by Joel Weinsheimer and Donald G. Marshall. New york and London.: Continuum.

